

- جهان نو -

کازوئو ایشی گورو شبانہا

(پنج داستانِ موسیقی و شب)

ترجمہ ی علی رضا کیوانی نژاد



ایشی گورو. کازونو، ۱۹۵۴ - م. Ishiguro, Kazuo
شبانه‌ها: (پنج داستان موسیقی و شب) / نویسنده کازونو ایشی گورو؛
ترجمه‌ی علی‌رضا کیوانی‌نژاد. تهران، نشر چشمه ۱۳۸۸.
ISBN 978-964-362-733-1

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
عنوان اصلی: Nocturnes: Five stories of music and nightfall.
2009 داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰م. کیوانی‌نژاد، علی‌رضا.
۱۳۵۶ - مترجم.
الف‌ش ۲/۹۵۴/الف ۲/۲۳ ۸۲۳/۹۱۴
۱۳۸۸
کتابخانه‌ی ملی ایران ۱۹۱۷۰۵۳

شبانه‌ها

(پنج داستان موسیقی و شب)
کازونو ایشی گورو
ترجمه‌ی علی‌رضا کیوانی‌نژاد
ویراستار: امیر احمدی آریان

لینتوگرافی: هماگرافیک
چاپ: صاحب کوثر
تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه
چاپ اول: بهار ۱۳۸۹، تهران
۴۸۰۰ تومان
ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

info@cheshmeh.ir

شابک: ۱ - ۷۳۳ - ۲۶۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان بیرونی، خیابان وحید نظری، شماره‌ی ۳۵.

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴ - ۹۶۶۴۹۵۷۵۷۸ دورنگار: ۶۶۴۶۱۴۵۵

فروشگاه نشر چشمه: تهران، خیابان کریم خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷، تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

فهرست

مقدمه‌ی مترجم.....	۹
خواننده.....	۱۳
زیرورو بشه دنیا من دوست دارم.....	۴۳
تپه‌های مالورن.....	۹۳
شبانه.....	۱۲۹
نوازنده‌های ویولن سل.....	۱۸۵
یادداشت‌ها.....	۲۱۷

مقدمه‌ی مترجم

«تجربه، اسمی است که آدم‌ها روی شکست‌شان می‌گذارند.» به‌نظر این جمله‌ی حکیمانه‌ی برنارد شاو طنز، بستر اصلی داستان‌های این مجموعه است؛ جایی که نویسنده‌ی شش‌دانگی مانند ایشی‌گورو این‌بار خودش را نه در قامت یک رمان‌نویس چیره‌دست، که در هیئت نویسنده‌ای به مخاطب عرضه می‌کند که تسلطی کم‌نظیر بر عرصه‌ی داستان کوتاه دارد.

راز ماندگاری ایشی‌گورو را باید در رمان بازمانده‌ی روز جست‌وجو کرد؛ میراثی کم‌نظیر که به مدد ترجمه‌ی درخشان استاد دریابندری از جایگاهی دوچندان نزد مخاطب برخوردار است. حقیقت این است که در عرصه‌ی ادبیات تعداد نویسندگانی که در حوزه‌های رمان و داستان کوتاه به یک اندازه تبحر داشته باشند کم است، اما به جرئت باید گفت ایشی‌گورو در همان گروه اقلیت به‌سر می‌برد.

این مجموعه شاید تأکیدی باشد بر همین مسئله و نویسنده تلاش می‌کند با خلق شخصیت‌ها در قالب داستان کوتاه، به طرح سؤال بپردازد و در این راه به همان سیاق قبلی، دست از طنز و شوخ‌طبعی هم برنمی‌دارد.

درک آنچه در کُنه این داستان‌ها اتفاق می‌افتد، نیازمند آشنایی دوچندان با دنیای ذهنی ایشی‌گورو است. او در این پنج داستان که جملگی با محوریت موسیقی و خنیاگری نوشته شده‌اند، به واکاوی روابط میان آدم‌ها می‌پردازد و به سادگی دو واژه‌ی «تجربه» و «شکست» را به دوتلی خواندنی دعوت می‌کند. تقابل زیرکانه‌ی این دو واژه در خوانش اول به چشم نمی‌آید، اما درک آن، نیازمند زمان است. بنابراین بد ندیدم به چند نکته اشاره کنم.

اول آن‌که در ترجمه‌ی این مجموعه بارها به این نتیجه رسیدم که خواندن داستان‌ها بی‌شبهت به یک تصادف نیست؛ آن‌جا که اتومبیلی با سرعت عابری را زیر می‌گیرد، و راننده سراسیمه خود را به مصدوم می‌رساند اما در کمال تعجب سلامت او را می‌بیند و به همین دلیل، می‌خواهد سوار شود و برود، اما آن‌ها که تجربه دارند می‌دانند که بدن فرد مصدوم به اصطلاح رایج، «گرم» است و باید پس از معاینات دقیق — که نیازمند گذشت زمان است — سلامت یا میزان آسیب‌دیدگی‌اش تعیین شود. فرد مصدوم بعد از چند ساعت، تازه متوجه می‌شود چه اتفاقی افتاده و کجایش آسیب دیده است.

دوم آن‌که ایشی‌گورو در این اثر به ندای قلبی‌اش پاسخ می‌دهد که از نوجوانی با او همراه بوده، اما چیزی جز «تجربه» برایش در پی نداشته، و شاید هم «شکست»؛ و آن چیزی نیست جز موسیقی. او بارها به این مسئله اشاره کرده که علاقه‌اش به این عرصه اگر بیشتر از تألیف داستان نباشد، کمتر نیست و چه فرصتی بهتر از این. و عجب آن‌که از چنان تسلطی بر این حوزه برخوردار است که گویی تحصیلاتی را در همین عرصه پشت سر گذارده، حال آن‌که این‌گونه نیست.

نویسنده در این داستان‌ها با همان سلوکی که در بازمانده‌ی روز داشته، به روایت می‌پردازد و این‌جا البته راویان، آن‌قدرها هم گیج نیستند و این همان رندی خاص ایشی‌گورو است؛ خاصه در داستان نخست که راوی نوازنده‌ای است از بلوک شرق اروپا — لهستان — و آن‌که مقابلش قرار دارد، یک

امریکایی است. و آن‌جا که از عشق حرف می‌زنند مدام بسامد این جمله‌ی آیزاک باشویس سینگر از دل مجموعه داستان بی‌بدیل یک مهمانی، یک رقص — ترجمه‌ی مژده دقیقی — شنیده می‌شود: «آرزوها اگر اسب بودند، گداها سواره می‌رفتند.»

آخرین نکته را به تشکر از دوست عزیزم لادن صادقیون اختصاص دادم که این کتاب را در اختیارم گذاشت و با حوصله و شکیبایی کمک کرد به درک بهتری از فضای آن و در نهایت ترجمه‌اش دست یابم. واضح است اگر در این مجموعه نقصانی وجود دارد به این‌جانب برمی‌گردد.

علی‌رضا کیوانی‌نژاد

آبان ۸۸